



## یادداشت

## ضرورت احیای عرفان و معنویت حسینی



احمدحسین شریفی

استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی (ع)

عاشوراوامام‌حسین(ع)ظرفیتی‌بی‌نظیربرای‌انسان‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است. این نیروی بی‌نظیر در برهه‌های مختلفی از تاریخ اسلام، گوشه‌های کوچکی از خود را نشان داده است. فی‌المثل، حدود دو دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، احیای بعد انقلابی، حماسی و ظلم‌ستیزانه عاشورا موجب پیروزی انقلاب بی‌نظیر اسلام شُشد. در دوران کنونی لازم است ابعاد دیگر قیام حسینی ازجمله‌بعدعدالت‌خواهی‌آن،بعدحکومت‌سازی(حکومت اسلامی‌ودینی)،بعدانسان‌سازی‌وجامعه‌سازی‌آن‌را‌احیاو ترویج کرد. در این میان، به‌اعتقاد من نگاه عرفانی و معنوی به حادثه عاشورا و شهدای و اقامت عاشورایی می‌تواند یک نهضت معنوی عظیم پدید آرد. ابعاد عرفانی و معنوی زندگی امام‌حسین(ع) و سخنان عاشورایی او، اگر بیشتر از ابعاد سیاسی و مبارزاتی آن حضرت نباشد کمتر نیست. این لایه از قیام حسینی‌واین‌بعداز‌شخصیت‌امام‌حسین(ع) و شهدای کربلا هنوز بکر و دست‌نخورده باقی مانده است. باید آن را احیا کرد. عرفان و معنویت حسینی، عرفانی همه‌جانبه است؛ همراهی عرفان و حماسه، عرفان و عقلانیت، عرفان و جهاد، عرفان و مدیریت و عرفان و جامعه‌سازی را به وضوح می‌توان در عرفان عاشورایی و حسینی مشاهده کرد. عرفان حسینی با نزواطلبی و گوشه‌گیری و بی‌تفاوتی اجتماعی، هیچ میانه‌ای ندارد، البته این نوع نگاه به قیام حسینی بعضا در لایه‌لای سخنان برخی عارفان و معنویان پیشین مطرح بوده است؛ به‌عنوان مثال، عمن‌سامانی (۱۳۲۲ ق) چنین‌نوع‌نگاهی‌رامطرح می‌کند یا پیش از او مولوی در دیوان شمس و همچنین در مثنوی معنوی این نوع نگاه را مطرح می‌کند. اما متأسفانه مشکل آنان این بود که اینها هم چشم یک‌سونگر داشتند. تنها همین بعدرامی‌دیدندو حتی نتوانستندنگاهی‌درست و دقیق از همین یک بعد نیز ارائه دهند که بررسی و تحلیل نگاه آنان، فرصتی دیگر می‌خواهد. (۱)

### مولفه‌های عرفان و معنویت حسینی

#### ۱. توحید و خدامحوری

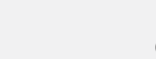
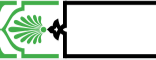
یکی از شاخصه‌های عرفان‌های نوظهور و معنویت‌های سکولوار، نفی توحید یا نادیده گرفتن آن است. (۲) اما مهم‌ترین شاخصه عرفان و معنویت حسینی و عاشورایی، محوریت توحید و خداپاوری است.

دو منبع مهم برای فهم عرفان حسینی؛ یکی دعای عرفه است و دیگری حالات امام در شب و روز عاشورا.

پی‌نوشت‌ها:

۱. منظور این نیست که فقط این لایه از زندگی امام‌حسین(ع) و شهدای کربلا را ببینیم و دچار افراط و تفریط در این زمینه شویم. عرض بنده این است که باید نگاه جامع به عاشورا و قیام حسینی و زندگی اسوه‌هایمان داشته باشیم. باید نگاهی لگ‌نگر داشته باشیم تا بتوانیم برای همه ابعاد وجودی‌مان و همه ساخت‌های زندگی‌مان از این الگوها بهره‌مند شویم.

۲. ر.ک شریفی، احمدحسین، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب.



از نگاه امام‌حسین(ع)، راه‌هایی از همه گناهان فردی و اجتماعی، باور راستین به توحید و معاد است. فردی به محضر امام‌حسین(ع) آمد و راهی برای رهایی از زندگی گناه‌آلود خود طلب کرد. امام در پاسخ، نسخه‌ای شامل پنج دستور که سه‌تا مربوط به توحید و دوتا مربوط به معاد بود، ارائه دادند: «پنج کار را انجام بده و هر گناهی که می‌خواهی نیز انجام بده:

۱. رزق خدا را نخور و هر گناهی که دوست داری انجام بده.
۲. از تحت سلطه خدا خارج شو و هر گناهی که دوست داری انجام بده.

۳. جایی برو که خدا تو را نبیند و هر گناهی که دوست داری انجام بده.

۴. زمانی که ملک‌الموت برای قبض روح‌ت آمد، جان به او نده و هر گناهی که دوست داری انجام بده.

۵. زمانی که مالک جهنم می‌خواهد تو را روانه دوزخ کند، نرو و هر گناهی که دوست داری انجام بده.

آخرین جملات لحظات پایانی عمر مبارک آن حضرت در گودال قتلگاه‌نیز این بود: *اَللّٰهٖ رَضِیْ بِفَضْلِکَ سَلِیْمًا لِّاُمْرَکَ لَا مَعْبُوْدَ سِوَاکَ یَا غِیَاثَ السُّتَعِیْثِیْنِ*. اگر نیک‌بنگرم، همه حقایق عرفان عملی در این جمله کوتاه، جمع هستند:

«معرفت، محبت و عبودیت، یا توحید، تسلیم، رضا و بندگی.»

### ۲. خیرخواهی و خدمت

عرفان و معنویت حسینی، عرفان و معنویت خدمت، محبت، خیرخواهی و فداکاری نسبت به خلق است. منطق حسین(ع)این است که نیاز دیگران به‌ما، از نعمت‌های الهی است که باید به استقبال آن رفت و در این راه نباید هرگز احساس ملالت و خستگی کرد: *«اِنَّ خَوَاجِئَ النَّاسِ اِلَیَّکُمْ مِنْ نِعْمِ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ فَلَا تَمْلَؤْا لِنِعْمِ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ»*. در بخشِی از دعای عرفه، از خداوند می‌خواهد: *«اَقْضْ لَنَا الْخَیْرَ وَاَجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَیْرِ»* خدای برای ما خیر مقرر کن و ما را از اهل خیر قرار ده.

امام(ع) در وصیتنامه‌خود خطاب به محمد حنفیه نوشت: «من برای خوشگذرانی و خودخواهی و فساد و ظلم قیام نکرده‌ام؛ فلسفه‌قیام من تلاش در جهت‌رسنگاری‌و خیر و مصلحت‌امت پیامبر است؛ من می‌خواهم امر به‌معروف و نهی ازمنکر کرده‌وبه سیره جدم رسول‌الله عمل کنم.» وقتی بنی‌اسد می‌خواستند پیکری سرا بابعیدالله(ع) رادفن کنند،رکنار همه‌رخ‌هایی که بر بدن مبارک آن حضرت وارد شده بود، روی دوش آن حضرت آثار زخم کهنه مشاهده کردند؛ از امام‌زین‌العابدین(ع) علت‌راجویا شدند. آن حضرت فرمود: «این آثار بر دوش کشیدن صدقات و مایحتاج زندگی زنان بی‌سرپرست، یتیمان و تنگدستان است که آن حضرت در مدینه انجام می‌دادند.»

# سفر هم‌چنان



سعید طاووسی مسرور

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

در شماره‌های پیشین بحث را تا مقاتل دوره قاجار رساندیم و ضمن بحثی کلی از مقاتل این دوره، در شماره قبل به شاخص‌ترین اثر این دوره یعنی «اسرارالشهداء» پرداختیم. حسب وقتی که به‌مقتضای این صفحه در اختیار بنده است به برخی آثاری که دیگر در دوره قاجار اشاره می‌کنم. یکی از این کتاب‌ها که حتما باید از آن یاد شود، کتاب «طوفان البکاء» از محمدابراهیم جوهری هروی متوفی ۱۲۵۲ و ۱۲۵۳ هجری قمری ملقب به افصح الشعراء بوده و از شعرا و مرثیه‌سرایان دوره قاجار محسوب می‌شود. کتاب او شرح مصائب اهل بیت به ویژه واقعه عاشورا به‌زبان فارسی است که به تشویق دو نشر از بزرگان قزوین- که به مداحان کمک مالی می‌کردند-تالیف شد. در انتهای کتاب هم به تمجید از آن دونفر پرداخته است. نگارش این کتاب از سال ۱۲۴۸ هجری قمری آغاز شده و دو سال هم تالیف آن به‌طول انجامیده است، بنابراین از نظر زمانی کتابی مقدم بر «اسرارالشهداء» محسوب می‌شود.

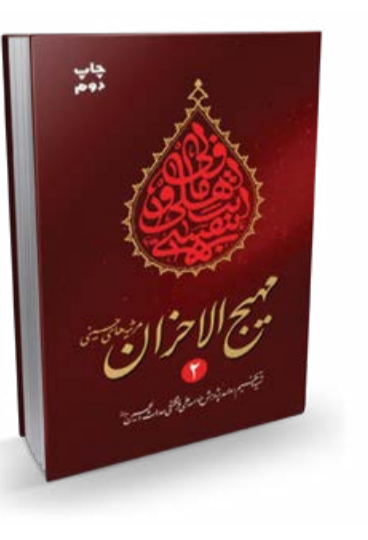
کتاب یک مقدمه و ۱۴ آتشکده دارد که هر آتشکده مشتمل بر چندشعله است. نام کتاب و عناوین ابواب کتاب، خود جالب توجه است. هر آتشکده به‌مصائب یکی از معصومین اختصاص دارد-به‌جز آتشکده هفتم که درباره موضوعات متنوعی مانند مختار و حتی امیرتیمور گورکانی است. پنجمین آتشکده مشتمل بر ۴۰ شعله در احوال امام‌حسین(ع) است که از بخش‌های مفصل کتاب محسوب می‌شود و به شرح وقایع عاشورا پرداخته است. این بخش از کتاب از درس مکتبخانه‌ها و مدارس قدیم در قرون ۱۳ و ۱۴ هجری قمری بوده‌ویکی از منابع‌تعمز به‌خوان‌هاوشبیه‌خوان‌هاهم‌به‌شمار می‌رود. چند عامل این کتاب را به‌متون محبوب مجالس مذهبی و عزاداری بدل کرده است و ازجمله باید به وزن حماسی اشعار کتاب- که با سبزه‌زنی تناسب دارد- اشاره کرد. آمیختگی نظم و نثر در کتاب، زبان ساده و روانی متن نیز از مجموعه‌عواملی است که باعث اقبال مداحان به این متن شده است. این کتاب هم در حیط تاریخ- مشابه «اسرارالشهداء»- از متون نامعتبر و ضعیف دوره قاجار شمرده می‌شود. اولین چاپ آن حدود هشت سال پس از تالیف یعنی در سال ۱۲۵۸ بوده و بارها و بارها به چاپ رسیده است، ازجمله از بندو چاپ آن تا امروز، ۵۸ چاپ‌مصور از این کتاب صورت گرفته است و شاید هیچ کتابی به این میزان، به‌صورت‌مصور منتشر نشده باشد. باید اشاره کنم که کتابی به‌نام «۴۰ طوفان: بررسی تصاویر چاپ سنگی طوفان البکاء» توسط علی بوزری نوشته شده که کتابخانه سوز و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در سال ۹۰ آن را به چاپ سپرده است. نسخه‌های از «طوفان البکاء» به‌صورت چاپ سنگی در اختیار بنده است که تاریخ محرم ۱۳۳۲ هجری قمری را دارد یعنی در دوره مظفرالدین‌شاه قاجار به چاپ رسیده است. در این نسخه فقط دو نگاره از فرشگان در ابتدای کتاب درج شده و بقیه نسخه فاقد تصویر و نقاشی است. چاپ این کتاب در محرم نیز موضوعیت دارد و نشان می‌دهد که مثل الان که بازار چاپ و نشر آثار عاشورایی در ماه‌های محرم و صفر نسبت به قبل پررونق تر است، چنین وضعیتی در آن دوره هم مشاهده می‌شود. همین کثرت چاپ و تعدد نسخه‌های چاپ‌سنگی نشان‌دهنده رواج این متن از روزگار تالیف تا امروز در محافل عزاداری است. منبع دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، کتاب «الدعاه الساکبه» از محمدباقر بن عبدالکریم بهبهانی نجفی است که ایشان از شاگردان فاضل دربندی یعنی صاحب «اسرارالشهداء» بوده است. اسرارالشهداء از منابع این کتاب نیز به‌شمار می‌رود. مولف در سال ۱۲۸۵ هجری قمری در نجف‌اشرف از دنیا رفته است.

کتاب در پنج جلد نگاشته شده و ظاهرا مولف قصد داشته جلد ششم را نیز به‌اصاحف اتمده‌ای و احوال برخی علما اختصاص دهد که ظاهرا موفق به تالیف آن نشده است. جایی هشت جلدی نیز از این کتاب وجود دارد که فقط مشتمل بر سه جلد از نسخه مولف می‌شود یعنی سه جلد از پنج جلد مولف، در هشت جلد در بیروت به چاپ رسیده و دو جلد دیگری که چاپ نشده، مربوط به امام‌زمان(ع) و مباحث مهدوتی می‌شده است. در چاپ بیروت بخش مربوط به امام‌حسین(ع) مفصل‌تر از سایر بخش‌هاست و دو جلد از هشت جلد یعنی جلد‌های چهارم و پنجم را به‌خودش اختصاص می‌دهد. مولف در مقدمه به بیان ثواب عزاداری برای پیامبر و ائمه صلوات‌الله علیه وعلیهم پرداخته و هدف خود از نگارش کتاب را هم به‌خواننده شناسانده است. در بخش‌های مربوط به امام‌حسین(ع) از نظر تاریخی به منابع ضعیف مراجعه شده و ازجمله دو متن، یعنی مقتل مجعول منسوب به ابوخنرف و «المنتخب» طریحی که در مورد بی‌اعتباری اینها در شماره‌های پیشین سخن گفته‌شد. همین‌طور کتاب مجعولی به‌نام «نورالعین» که به قرن چهارم هجری نسبت داده شده نیز جزء منابع این کتاب است، در صورتی که این متن منتهی مناخر و ظاهرا مربوط به دوره قاجار است بلکه ممکن است مابین دوره صفوی و دوره قاجار تالیف شده باشد، به‌رحال کتاب بی‌اعتباری محسوب می‌شود که بهیهانی نجفی به چنین متونی متکی بوده است. برخی محققان که دید تاریخی داشته‌اند از جهت آمیختگی مطالب راست و دروغ و غلبه وجه داستانی و وجه مستند تاریخی، این کتاب را در ردیف «روضه‌الشهداء» و «اسرارالشهداء» دانسته‌اند. شباهت این کتاب با «اسرارالشهداء» که اصلا عجیب نیست، چرا که اشاره شد مولف از شاگردان فاضل دربندی بوده و از «اسرارالشهداء» نیز به‌عنوان یکی از منابع استفاده کرده است. یکی از مطالب غیرمعتبر این کتاب برای نمونه- این است که در آن ذکر شده امام‌حسین(ع) بعد از شهادت حضرت عباس(ع) برای طفل خود طلب آب می‌کند و علی اکبر(ع) داوطلب می‌شود که آب بیاورد، در صورتی که طبق مقاتل معتبر و متقدم این از مسلمات است که حضرت علی اکبر(ع) پیش از حضرت ابوالفضل(ع) به شهادت رسیده است.

می‌دانیم محدث نوری منتقد «روضه‌الشهداء» و «اسرارالشهداء» است. جالب توجه است که یکی از شاگردان محدث نوری بر کتاب «الدعاه الساکبه» که توسط یکی از شاگردان فاضل دربندی نوشته شده- حاشیه نوشته است و نام او سیدمهدی بن هادی مازندرانی است و بعد از سال ۱۳۶۱ هجری قمری از دنیا رفته است.

ملا محمد رفیع بن قهرمان خاتون‌آیادی گرم‌رودی درگذشته ۱۳۳۰ هجری قمری، در سال ۱۳۰۲ یعنی اواخر دوره ناصری، بخش امام‌حسین(ع) از کتاب الدعاه الساکبه را مختصر کرده و بعد هم به فارسی ترجمه کرده است و این متن به‌عنوان «ذریعه‌النجاه» به‌چاپ رسیده است. بخش مقتل کتاب «الدعاه الساکبه» توسط محمدعلی حسین‌زاده و ابراهیم سلطانی‌نسب ترجمه شده و با عنوان «اسیدالشهداء» منتشر شده است. طبعاً این ترجمه‌زمینه استفاده فارسی‌زبانان خصوصا مداحان را از این متن فراهم کرده است. کتاب بعدی «تذکره‌الشهداء فی مصائب سیدالشهداء» است که بحث مصیبت و حزن و گریه و... در عنوان این کتاب و کتاب‌های دیگر این دوره به‌وضوح دیده می‌شود. این کتاب نوشته حبیب‌الله شریف کاشسانی، درگذشته ۱۳۴۰ هجری قمری است که از علما و فقهای شیعیه در قرون ۱۳ و ۱۴ بوده است، چون ولادت او در ۱۲۶۲ یعنی دو سال قبل از آغاز دوره ناصرالدین‌شاه و وفات او در ۱۳۴۰ هجری قمری است. این کتاب به‌فارسی نوشته‌شده و موضوع آن شرح واقعه عاشورا و شهادت امام‌حسین(ع) و یاران ایشان است. این کتاب در سال ۱۳۰۶ هجری قمری در اواخر دوره ناصری تالیف شده و می‌دانیم که ناصرالدین‌شاه شتمول ۱۳۱۳ هجری قمری است. کتاب در سال ۱۳۹۸ هجری قمری و با یک فاصله قابل توجهی از زمان تالیفش [برای اولین بار به چاپ رسیده است. این کتاب ۱۲ مجلس دارد که هرکدام مشتمل بر چندفصل است که از کیفیت مقدر شدن شهادت برای حضرت آغاز می‌شود و با فضائل حضرت، تشویق به عزاداری، وقایع مربوط به خروج امام از مدینه تا شهادت و حوادث پس از عاشورا تا بازگشت اهل بیت به مدینه ادامه می‌یابد. چنانکه خود مولف هم در مقدمه آورده است این کتاب با زبانی عوام‌فهم نوشته شده و می‌بینیم که از اشعار فارسی و عربی متعددی هم در آن استفاده شده است و چه‌بسا این تحت‌تأثیر کتاب «روضه‌الشهداء» باشد که در آثار ای مثل طوفان البکاء، تذکره‌الشهداء و آثار دوره قاجار، استفاده از اشعار متعدده به فارسی و عربی را مشاهده می‌کنیم چنانکه خود «روضه‌الشهداء» از منابع این کتاب بوده ولی منابع دیگری مثل بحارالانوار، المنتخب و لیهوف هم داشته که از هر سه کتاب در شماره‌های پیش سخن گفته‌ایم. در کتاب از نقل روایات ضعیف و مبالغه در ارائه آثار و ارقام خودداری نشده است. کتاب خاتمه‌ای دارد که به موضوع دفن سر مطهر امام‌حسین(ع) اختصاص دارد که این موضوع تا امروز هم محل بحث و بررسی است. برای نمونه می‌توانم به دو پژوهش در این باره اشاره کنم. یک پژوهش مستقل با عنوان «راس‌الحسین(ع) و مقام‌های آن» از مصطفی صادقی که در کتاب «نگاهی نوبه جریان عاشورا» -که زیرنظر سیدعلیرضا واسعی تهیه شده- این مقاله به چاپ رسیده است. همین‌طور در کتاب شهادت‌نامه امام‌حسین(ع) از آقای محمدی ری‌شهری و همکاران شان به بررسی در این باره اقدام شده است. به‌دو قول به‌عنوان اقوال قابل اعتنا در میان اقوال اشاره شد- یکی قول به دفن سر مطهر در حرم امیرالمومنین(ع) در نجف‌اشرف و قول دیگر با‌گشت سر مطهر به کنار بدن و دفن در کربلاست که در این کتاب گفته شده که ترجیح یکی از این دو قول مشکل است، قول اول در روایات بیشتر منعکس شده و قول دوم از سوی علما بیشتر مطرح شده است.

شرف کاشانی دو کتاب دیگر هم در مورد امام‌حسین(ع) تالیف کرده بوده که یکی «اسرار حسینی»ه و یکی هم «نخبه‌المصائب» است که به اینها نمی‌پردازیم و به‌جای آن یکی از متون ضعیف و نامعتبر



دیگر را مورد بحث قرار می‌دهیم که کتاب «معالی السبطين» اثر محمدمهدی حائری مازندرانی متولد ۱۳۰۰ و متوفی ۱۳۸۵ هجری قمری است. ایشان از وعاظ شیعیه و ساکن کربلا بوده و عنوان کامل کتابش «معالی السبطين فی احوال الحسن و الحسین» است که به عربی و در دو جلد نوشته شده است. عنوان هم نشان می‌دهد که موضوع آن زندگانی و فضائل حسین علیهما‌السلام است. مطلبی که باید به آن دقت کنیم این است که مظلومیت امام مجتبی(ع) در این کتاب هم دیده می‌شود چون قسمت نخست کتاب که حجم کمی دارد به امام‌حسین(ع) پرداخته و قسمت دوم که اغلب جلد اول و تمام جلد دوم را دربرمی‌گیرد به شرح تفصیلی زندگی امام‌حسین(ع) پرداخته است. ممکن است در وهله اول به ذهن متبادر شود که یک جلد مختص امام‌حسن و یک جلد مختص امام‌حسین علیهما‌السلام است، در صورتی که این‌طور نیست و شاید این یک خطای راهبردی هم باشد که ما به امام‌حسن(ع) کمتر توجه می‌کنیم. در صورتی که شناخت عاشورا به‌شناخت صلح امام‌حسین(ع) و اساسا دوره آن بزرگوار وابسته است.



هدف از تالیف این کتاب استفاده اهل منبر و روضه‌خوانان بوده و مشابه آثاری که تاکنون به آن پرداخته‌ایم، روایات تاریخی را با شعر و داستان درهم آمیخته است. این نشان می‌دهد که عنصر جذابیت برای مجالس آن قدر اهمیت داشته که دقت و صحت محتوای جذابیت قربانی می‌شده است. کتاب در قالب مجالس جداگانه تدوین شده و ۱۶ بخش درباره امام‌حسین نوشته شده است که هرکدام از این ۱۶ بخش تعداد متفاوتی مجلس را شامل می‌شود. در مجموع ۱۵۴ مجلس به امام‌حسین(ع) اختصاص داده است. بخش نهم با ۲۳ مجلس به وقایع روز عاشورا و شهادت سیدالشهداء(ع) و یارانش پرداخته که مفصل‌ترین قسمت کتاب هم همین است. کتاب‌هایی مثل «روضه‌الشهداء»، «المنتخب» و «اسرارالشهداء» نیز ازجمله منابع این کتاب بوده و بواسطه این منابع، مطالب ضعیف آنها، به «معالی السبطين» هم راه پیدا کرده است. علی‌رغم عربی بودن کتاب، بعضا دیده می‌شود که در مجالس عاشورایی و مذهبی به این کتاب خصوصا از جانب وعاظ-استناد می‌شود [چرا] که [وعاظ] می‌توانند با منبع عربی‌ای مثل «معالی السبطين» ارتباط برقرار کنند. آخرین منبعی که در این بخش معرفی می‌کنم- که البته مقدم بر آثاری است که امروز از آن سخن گفتیم و خواست‌حسن ختام این بحث قرار گیرد- کتابی است به نام «مهیج الاحزان» و موقدالتیران فی قلوب اهل‌الایمان» یعنی برانگیزاننده‌اندوه‌هاوروشن‌کننده‌اتش‌ها در قلب‌های اهل‌ایمان. این کتاب در مورد شهادت امام‌حسین(ع) است و علی‌رغم عنوان عربی‌ای که دارد به‌زبان فارسی نوشته شده و مولف آن حسن‌بن محمدعلی یزدی حائری، از فقها و علمای شیعیه در دوره قاجار و متوفی بعد از ۱۳۴۲ هجری قمری است. کتاب شامل یک مقدمه و ۱۴ مجلس است. در تمام مجالس اشعار متعددی آمده است. جالب توجه است که خود کتاب به زبان فارسی است ولی غالب اشعار به زبان عربی و بعضا به فارسی است. جالب‌توجه این است که مولف از منتقدان نقل اخبار ضعیف در مقام تعزیه یا ذکر مناقب و فضائل است و با نقل و استفاده از اخبار ضعیف با این دو هدف مقابله می‌کند. مولف استناد برخی علما به قاعده «تسامح در ادله سنن» (۱) را در این مورد ذکر کرده‌ان و امخصوص سنن در مستحبات و مکروهات شرعی استناد است و نه اخبار تاریخی و اخبار فضائل و مناقب. باوجوداین، اخبار ظنی- اخباری که می‌شود گمان به‌صحت آن داشت ولی از آن مطمئن هم نیستیم- را در باره وقایع روزعاشورا و واقعه کربلا جایز دانسته است بشرط آن‌که به کذب منجر نشود.

دیده می‌شود در مقام عمل، برخی اخبار ضعیف به کتاب خود مولف هم راه پیدا کرده، ازجمله داستان مسلم گارِ کج، که در آن گفته می‌شود حضرت زینب(س) سر خود را به حمل کوبیده‌اند، سرشان شکسته و خون جاری شده، در کتاب ایشان دیده می‌شود در صورتی که این خبر مورد انتقاد بسیاری قرار گرفته است و حتی آن را از مصادیق تحریف محسوب کرده‌اند. همین‌طور ماجرای شیر و فسه در کتاب او دیده می‌شود که به‌دلایل مختلف، ازجمله عدم زنده‌بودن فسه در آن زمان قابل‌پذیرش نیست. تنکابنی صاحب «قص‌العلماء» نقل می‌کند که یزدی حائری مولف این کتاب مداحی را که داستان شیر و فسه را تعریف می‌کرد، به این شکل که شبی که برای محافظت پیکر امام‌حسین(ع) آمده بود، مداح آن را امام‌علی(ع) دانسته بود که در صورت شریک ظاهر شده، یزدی حائری این مداح را به توبه دعوت می‌کند. تنکابنی صاحب قصص‌العلماء علاوه‌ببر نقل این حکایت، علاقه خاصی به کتاب «مهیج الاحزان» داشته و آن را سرآمد کتب مصیبت و نهایت معتبر دانسته که نشان می‌دهد همین دقت نسبی مولف در نقل اخبار هم از نظر تنکابنی شایسته تقدیر بوده است.

مولف در مقدمه «مهیج الاحزان» به انتقاد از برخی رسوم عزاداری متداول در زمان خودش می‌پردازد و باید در آثاری که به اصلاح عزاداری آنها توجه داشته‌اند از این کتاب هم یاد‌شود. خصوصا که این شیوه بسیار مقدم بر آثار سیدمحسن امین یا محدث نوری و شیوخ عباس قمی و آثار بعدی است و در واقع پیش‌قراول آن آثار محسوب می‌شود و ازجمله کنند مو، خراشیدن صورت، تیغ زدن پیشانی و مجروح کردن بازو را محل اشکال دانسته و زخمی کردن اعضا و قفل زدن بر دهان و مانند اینها را «از افعال ابواش ناس» معرفی کرده است.

نکات مهم دیگری نیز در کتاب یزدی حائری دیده می‌شود و یکی از نکات گفته‌است عزاداری برای امام‌حسین(ع) به محرم اختصاص ندارد و در همه ایام و حتی ایام سرور هم فضیلت دارد می‌تواند برپا شود. البته می‌دانیم که رهبری در این باره نگاه دیگری داند و به مداحان توصیه می‌کنند که در ایام سرور- ولو به‌عنوان نمک مجلس که از اصطلاحات مداحان است- روضه خوانده نشود.

یزدی حائری اجرت گرفتن برای مجلس امام‌حسین(ع) را نیز بی‌اشکال دانسته است ولی برای آن یک شرط گذاشته و آن اینکه از قبل میزان اجرت توسط مداح یا واعظ تعیین نشود. قدیمی‌ترین چاپ سنگی از این کتاب مربوط به سال ۱۲۶۳ هجری قمری است که ظاهرا در تهران به‌چاپ رسیده و در این چاپ در انتهای این کتاب گفته شده که تاریخ تالیف این کتاب ۱۳۳۷ هجری قمری در شهر مقدس کربلا بوده است. در ۱۲۷۵ هجری قمری هم به‌همراه لیهوف و مقتل ابومخنف در ایران به‌چاپ می‌رسد و پس از آن بارها چاپ شده است. این مجموعه نکاتی بود که در معرفی این چند منبع مهم از دوره قاجار عرض شد و ان‌شالله در قسمت بعدی به دو نمونه دیگر از آثار مهم دوره قاجار اشاره خواهیم کرد و بعد به آثار جدیدتر و دوره معاصر خواهیم رسید.

پی‌نوشت تنظیم‌کننده،

۱- اگرچه بدون دلیل معتبر نمی‌توان حکمی را اثبات کرد ولی با روایت ضعیفی- که شهرت، توان جبران ضعف آن را ندارد- می‌توان استحباب یا کراهت را ثابت کرد و «تسامح در ادله سنن» یعنی آسان‌گیری در مدارک روایاتی که ناظر به غیر واجبات و محرمانتد. به‌عبارت دیگر در مستند واجبات و محرمانت است که باید روایات موثق باشند ولی در پذیرش روایات دیگر، من‌جمله روایات ناظر به احکام و آداب مستحبی، مطابق این قاعده، باید تسامح و آسان‌گیری شود.